معرفی و نقد کتاب «صدایی که شنیده نشد»

مسعود زمانی مقدم*

کد ارکید: 0000-0002-2791-9784

DOR:http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1399.11.2.21.2

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.2.11.2]

مقدمه

در سال ۱۳۵۳، وقتی‌که علی اسدی و مجید تهرانیان پیمایشی ملّی را در غالب یک طرح آینده‌نگری هدایت می‌کردند، شاید در مخیلهٔ کسی نمی‌گنجید که چهار سال بعد از آن ایران با انقلابی سیاسی و سرنوشت‌ساز روبه‌رو شود. امّا امروزه، چهار دهه پس از آن پیمایش و با انتشار گزارشی از یافته‌های آن در کتاب *صدایی که شنیده نشد*[۱]، می‌توان به اهمیت پژوهش اسدی و تهرانیان و همکارانشان پی‌برد؛ آنها صدای جامعه را شنیده بودند، در حالی‌که صدای جامعه‌پژوهی آنها شنیده نشد.

پژوهش آنها از نخستین نظرسنجی‌ها در سطح ملّی بوده و حاوی یافته‌های تجربی جالبی از نگرش‌ها و ارزش‌های مردم در دههٔ ۵۰ شمسی است. زمانی که این تحقیق انجام می‌شد جامعهٔ

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه یزد، masoudzmp@yahoo.com

۱. صدایی که شنیده نشد: نگرش‌های اجتماعی-فرهنگی و توسعهٔ نامتوازن در ایران (گزارشی از یافته‌های طرح آینده‌نگری). علی اسدی و مجید تهرانیان (به کوشش عباس عبدی و محسن گودرزی). نشر نی. چاپ اول: ۱۳۹۵. ۳۲۵ صفحه.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/18 تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/12/9

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۳۶۷-۳۷۵

ایرانی با دگرگونی‌های شتابانی؛ چون رشد شهرنشینی، شکل‌گیری طبقهٔ متوسط شهری، دگرگونی زندگی روستاییان، گسترش رسانه‌های ارتباطی، جهش اقتصادی، رشد صنعتی و افزایش قیمت نفت مواجه بود. با وجود این، میزان تغییرات ساختار اجتماعی و فرهنگی با توسعهٔ اقتصادی همراه نبود و انسداد سیاسی و توسعهٔ آمرانه به این تعارض و توسعهٔ نامتوازن دامن زده بود. به نظر می‌رسید کشور رو به پیشرفت است، اما ظاهراً جامعه از نظر فرهنگی و اجتماعی تاب این تغییرات سریع اقتصادی را نداشت و نتوانست با آن سازگار شود. چنین شد که خوش‌بینی‌ها نسبت به تحولات اجتماعی سریعاً جای خود را به میل به سرنگونی نظام سیاسی‌ای داد که از قضا در داخل و در منطقه دارای قدرت بود و بر اساس آن تصور می‌شد ایران «جزیرهٔ ثبات» است.

مروری بر کتاب

کتاب از یک مقدمه و دو فصل تشکیل شده است. در مقدمهٔ کتاب، عباس عبدی و محسن گودرزی به شرح کتاب و اهمیت آن در بستر آینده‌نگری و آینده‌پژوهی پرداخته‌اند. به نظر آنها در فضای علمی ایران، ضعف مطالعات آینده‌نگری بر اساس روش‌های علمی مشاهده می‌شود. از این‌رو، می‌توان توجه به ضرورت مطالعات آینده‌نگری را از انگیزه‌های اصلی عبدی و گودرزی در چاپ این کتاب دانست. آنها معتقدند که آینده‌نگری می‌تواند به منظور پیش‌اندیشی، پیشگیری، و آینده‌آفرینی به کار آید.

فصل اول گزارشی است که از سوی مجید تهرانیان به عنوان مدیر طرح نوشته شده، محور و پایهٔ اصلی سایر پژوهش‌ها است. در این گزارش به آینده‌نگری در زمینهٔ نقش رسانه‌ها در توسعهٔ ملّی و توسعهٔ فرهنگی پرداخته شده است. لازم به ذکر است که در طرح «آینده‌نگری» چند گروه مشخص مورد سنجش قرار گرفته‌اند: ۱) گروه سرشناسان فرهنگی سیاسی (۵۰۰- ۸۰۰ نفر)؛ ۲) گروه پیام‌گیران (۶ هزار نفر) از میان تماشاگران و شنوندگان رادیو و تلویزیون؛ ۳) گروه کوچکی از جوانان دانشگاهی؛ و ۴) گروهی از اعضای سازمان رادیو و تلویزیون ملّی ایران (حدود ۳۰۰ نفر). مطالعهٔ مربوط به گروه پیام‌گیران همان پژوهشی است که در فصل دوم آمده است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.2.11.2]

در پیوست فصل اول، گزارش کوتاهی از رسانه‌ها، مراکز و سازمان‌های مذهبی در دهۀ ۵۰ شمسی به قلم سید محمدباقر نجفی، آمده است که به وضوح رشد زمینۀ فرهنگ دینی و روند توسعۀ مذهبی در ایران را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های این بررسی، آمار فزایندۀ انتشار کتب مذهبی، افزایش مساجد، رشد هزینه‌ها و درآمدهای اماکن متبرکه، گسترش مدارس مذهبی و حوزه‌های علمیه و افزایش طلبه‌ها، رشد هیئت‌های مذهبی و عزاداری، گسترش علاقه‌مندی مردم به انجام فریضۀ حج، و رشد فعالیت‌ها و درآمد و تعداد کادر فنی و اداری سازمان اوقاف ایران، نمودی از احیای فضای مذهبی در جامعه است.

فصل دوم شامل گزارش یک نظرخواهی ملّی دربارۀ گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران است. این بررسی حاصل تلاش گروه بزرگی از پژوهشگران و کمک‌پژوهشگران و پرسشگران در طی دو سال بوده، و علی اسدی تفسیر و گزارش آن را با همکاری منوچهر محسنی، مرتضی میرآفتابی، تقی برومندزاده و عباس شاکری انجام داده است. این مطالعه که ۲۳ شهر و ۵۲ روستای کشور از استان‌های مختلف را در برگرفت، توسط مرکز سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی سازمان رادیو و تلویزیون و با همکاری طرح آینده‌نگری این سازمان انجام شد. هدف این بررسی شناخت رفتارها و نگرش‌های اجتماعی و گرایش‌های فکری فعلی و آیندۀ جامعۀ ایران بود. برخی از ویژگی‌های مهم در مراحل این تحقیق عبارت‌اند از: ۱) پرسشنامۀ تحقیق حاوی ۱۲۶ پرسش در زمینه‌های گوناگون است؛ ۲) نمونه‌گیری تحقیق جامعۀ شهری و روستایی ۱۵ سال به بالای ایران را در بر می‌گیرد؛ ۳) در جمع‌آوری داده‌ها حدود ۳۰۰ پرسشگر در مدت ۴ هفته به‌طور همزمان در تمام نقاط کشور با حدود ۵۰۰۰ نفر مصاحبه کردند؛ ۴) اطلاعات پرسشنامه‌ها روی کارت‌های کامپیوتر منتقل شدند و با همکاری مرکز سنجش افکار فرانسه در پاریس جداول نهایی آماده شد؛ ۵) تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در دو مرحله صورت گرفته است. مرحلۀ نخست، تهیۀ یک گزارش مقدماتی حاوی همۀ جداول و اطلاعاتی است که بیشتر به صورت کمی و توصیفی است، و مرحلۀ دوم، تهیۀ گزارش‌های متعدد دربارۀ مباحث گوناگون این بررسی است و بیشتر جنبۀ عمقی و کیفی دارد. گزارش حاضر، در واقع گزارش مرحلۀ نخست تلقی می‌شود. می‌توان به یافته‌های مهمی از این تحقیق در موارد زیر اشاره کرد:

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.2.11.2]

شناخت جامعهٔ آماری: تحرک مکانی افرادی که تحصیلات بیشتر دارند، در مقایسه با سایرین بیشتر است و هرقدر سطح تحصیلی فرد ارتقا می‌یابد، گرایش به زندگی در شهرهای بزرگ، به‌ویژه تهران بیشتر می‌شود. سرپرستی اکثریت خانوارها (بیش از ۹۳٪) با مردان است. میزان سواد در سطح نازلی قرار دارد و میزان بی‌سوادان بیش از ۵۵٪ است و فقط ۳٪ دارای مدرک تحصیلی بالاتر از دیپلم هستند. به‌علاوه، سطح سواد زنان از مردان پایین‌تر است. اکثر سرپرست‌های خانوارها وابسته به طبقهٔ متوسط و متوسط رو به پایین هستند و در ۶۶٪ خانوارها فقط یک نفر شاغل وجود دارد.

رسانه‌ها: ۷۷٪ از کل خانواده‌ها دارای حداقل یک دستگاه رادیو هستند. بیش از نیمی از دارندگان رادیو هر روز از برنامه‌هایی رادیویی استفاده می‌کنند. در بین جامعهٔ غیرشنوندهٔ رادیو، ۲۱٪ به دلیل اینکه معتقد بوده‌اند رادیو شنیدن (به‌ویژه موسیقی آن) گناه دارد، از رادیو استفاده نمی‌کنند. ۴۴٪ از شنوندگان کاملاً از برنامه‌ها رضایت دارند و فقط ۶۶٪ از شنوندگان پیام‌های خبری را به طور کامل درک می‌کنند. ۳۴٪ از خانوارها دارای تلویزیون هستند. فقط ۲۷٪ از افراد گفته‌اند که از سینما استفاده می‌کنند. سینما بیشتر یک تفریح مردانه است و تعداد مردان سینمارو بیش از دو برابر زنان سینمارو است. همچنین، فقط ۳۷٪ از مردان حاضرند که همسران خود را به سینما ببرند. ۲۳٪ از افراد دلیل نرفتن به سینما را گناه دانستن آن عنوان می‌کنند. تماشاگر ایرانی بیش از هر چیز در فیلم طالب خنده و هیجان است و این می‌تواند یکی از دلایل موفقیت فیلم‌های فارسی باشد. تیراژ روزنامه‌ها نسبت به جمعیت ایران بسیار ناچیز است و مجله‌ها بیش از روزنامه‌ها خواننده دارند. مردها بیشتر از زن‌ها روزنامه می‌خوانند و زنان بیشتر از مردها مجله می خوانند. رغبت عمومی باسوادان به کتاب زیاد نیست و کتاب از روزنامه و مجله خوانندهٔ کمتری دارد. زنان به مراتب کمتر از مردان کتاب می‌خوانند. در منابع خبری، رادیو از نظر پخش پیام‌های خبری در مقام اوّل اهمیت قرار دارد و کمترین استقبال عمومی از مطبوعات است.

اوقات فراغت: استفاده از رادیو رایج‌ترین شیوهٔ گذران ساعات فراغت است. دیگر شیوه‌هایی که بسیار رواج دارند، گفت‌وگو، دید و بازدید، صحبت کردن و گپ زدن است. در مقایسه با مردان، زنان از فراغت‌های بیرون از خانه کمتر بهره می‌برند و بیشتر در خانه‌های خود وقت می‌گذرانند.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.2.11.2]

رضایت از زندگی: ۴۵٪ از زندگی خود ابراز رضایت کرده‌اند و ۴۲٪ مقداری رضایت داشته‌اند و تنها ۸٪ از زندگی خود اظهار نارضایتی کرده‌اند. مهترین عاملی که در میزان رضایت از زندگی اثر می‌گذارد، سطح درآمد است و برخلاف اعتقاد عامه، میزان شادکامی روستاییان از شهرنشینان بیشتر نیست. افزون بر این، به نظر می‌رسد تصویری که از نیک‌بختی وجود دارد بیشتر از ارزش‌های مادی رنگ گرفته تا ارزش‌های معنوی.

آرزوها و نیازها: در بررسی نیازها، مشکلات مالی (۴۶٪) و تحصیلی (۱۳٪) بیش از سایر مشکلات ذکر شده‌اند. سلامتی، خانوادهٔ خوب، ثروت و داشتن تحصیلات مناسب به ترتیب اهمیت آن چیزی است که افراد جامعه، آرزوی آن را دارند. آرزوها و آمال افراد جامعه بیشتر متوجه منافع بلاواسطهٔ شخصی است، که نشان‌دهندهٔ غلبهٔ ایده‌آل‌های فردی بر ایده‌آل‌های اجتماعی است. اکثر پاسخگویان وضعیت فردی خود را در حال و آینده در مجموع خوب و پیش‌رونده و بهتر از گذشته می‌بینند. در زمینهٔ اجتماعی، حس خوشبختی نسبت به وضعیت آتی جامعه از این هم بیشتر است و نوعی نگاه خوشبینانه نسبت به آینده در وجدان جمعی وجود دارد.

رفتارها و گرایش‌های خانوادگی: ۵۴٪ از روستانشینان با ازدواج‌های خانوادگی موافق‌اند، این نسبت در میان شهرنشینان به ۲۴٪ تنزل می‌یابد. نجابت، خلق خوش و خانه‌داری به ترتیب سه ویژگی مهم یک زن ایده‌آل در جامعهٔ ایران است. یک مرد ایده‌آل در جامعهٔ ایران مردی است که در وهلهٔ نخست با خانوادهٔ خود خوش‌رفتار و دلسوز و مسئول باشد و بتواند معیشت آنها را فراهم کند. گرایش به خانواده‌هایی با ابعاد کوچک‌تر، مندرجاً در سطح کشور رو به افزایش است و بخش بزرگی از جامعهٔ مورد بررسی، ۲ تا ۳ فرزند را حد مطلوب می‌داند. حدود ٪۷۴ از مردان متأهل با کار زن در خارج از خانه مخالف‌اند. حدود ۷۵٪ از افراد با حفظ حجاب موافق‌اند و تمایل به ترک حجاب ظاهراً در میان زنان شدت بیشتری دارد تا مردان. چندزنی موافقان چندانی ندارد (کمتر از ۸٪). مراجع تصمیم‌گیری در خانواده به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: پدر، پدربزرگ، مادربزرگ، مادر.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.2.11.2]

رفتارها و گرایش‌های مذهبی: اکثریت قابل توجهی از افراد (۸۳٪) همیشه و به‌طور منظم نماز می‌خوانند و تنها ۶٪ هیچگاه نماز نمی‌خوانند. ۷۹٪ افراد اظهار داشته‌اند که هر ساله روزه می‌گیرند. ۳۴٪ از افراد گرایش به پرداخت منظم خمس و زکات دارند. حدود ۵۴٪ از افراد مبادرت به امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. رفتن به مسجد عمومیت قابل ملاحظه‌ای دارد و حدود ۷۱٪ از افراد به مسجد می‌روند. حدود ۴۶٪ از افراد منظماً از برنامه‌های مذهبی رادیو و یا تلویزیون استفاده می‌کنند. اعتقاد رایج بر این است که میزان توجه به امور دینی در گذشته بیشتر بوده است. با وجود این، وضع مذهب و میزان گرایش به آن در آینده برای اکثریت افراد مبهم است و بیش از ۵۸٪ نمی‌دانند که در آینده مردم به امور مذهبی بیشتر خواهند پرداخت یا کمتر.

روابط اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی: جامعه از نظر نهادسازی و ایجاد سازمان‌های اجتماعی واپس‌مانده است. میزان مشارکت در انتخابات بسیار کم است و این میزان در میان زنان بمراتب کمتر از مردان است. ۵۴٪ از کل پاسخگویان مردم را قابل اعتماد می‌دانند و استحکام روابط اجتماعی در نسل جوان رو به سستی گذاشته است. ۵۶٪ از پاسخگویان تحصیلات را مهمترین عامل ترقی و پیشرفت می‌دانند. مردم بسیار از دولت توقع و انتظار دارند و معتقدند که دولت باید دربارهٔ اصلاح ابتدایی‌ترین مسائل محلی اقدام کند. این امر نشان‌دهندهٔ حالت منفعل مردم در حل مشکلات خویش است که با دخالت بیش از حد دولت در زندگی آن‌ها تقویت شده است.

تندرستی و رفتارهای بهداشتی: حدود ۵٪ پاسخگویان خود را از نظر تندرستی در وضع بدی می‌دانند. در مقابل، باید توجه داشت که تنها ۲۶٪ وضع تندرستی خود را بسیار خوب تلقی می‌کنند. اکثر افراد (۴۲٪) به طور متوسط هفته‌ای یک بار به حمام می‌روند و حمام رفتن میان مردان عمومیت بیشتری دارد. با اینکه جامعه رویکرد قابل توجهی به پزشکی جدید نشان می‌دهد، اعتقاد به تأثیر انواع و اقسام ادعیه و نذر و نیازها در شفای بیماران همچنان باقی است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.2.11.2]

نقدی بر کتاب

پژوهش علی اسدی و مجید تهرانیان در علوم اجتماعی ایران به دلیل اینکه اولین اثر برآمده از نظرسنجی از مردم است واجد اهمیت است؛ از این‌رو، همتِ عباس عبدی و محسن گودرزی در انتشار گزارشی از این پژوهش در قالب یک کتاب مستقل اقدامی مهم و ارزشمند محسوب می‌شود. این اثر از نخستین پیمایش‌های ملّی در علوم اجتماعی ایران بوده است که با روشی علمی نگرش‌های اجتماعی-فرهنگی مردم ایران در زمینه‌های گوناگون از جمله رادیو، تلویزیون، سینما، روزنامه، مجله، کتاب، منابع خبری، فراغت، مشخصات فردی، آموزش و پرورش، رضایت از زندگی، آرزوها و آرمان‌ها، خانواده، مذهب، روابط اجتماعی، بهداشت و مالکیت پرداخته و ناهمواری‌ها و ناسازگاری‌های ناشی از توسعهٔ نامتوازن در ایرانِ پیش از انقلاب را هویدا کرده است. در این اثر توسعهٔ نامتوازن و عدم توازن اجتماعی‌ای که پیامدهای روانی-اجتماعی آن است به‌ویژه از سوی مجید تهرانیان با مفهوم «اکنون‌زدگی» توصیف و تحلیل شده است. بر اساس این مفهوم، به دلیل سرعت بالای دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، بخش وسیعی از مردم و نخبگان نمی‌توانستند با فضای جدید جامعه و ارزش‌های نوپدید برخاسته از آن سازگار شوند. آنها «از محیط مألوف خود کنده شده بودند... در حالی‌که آمادگی مواجهه با چنین وضعیتی را هم نداشتند. آنان نه می‌توانستند به گذشته بازگردند و نه در آینده، جایی امن برای خود می‌دیدند». اگرچه علی اسدی در تحقیقات تجربی خود نشان داد که در بین توده‌ها و حتی نخبگان و طبقهٔ متوسط میل بازگشت به گذشته و به‌ویژه پناه بردن به مذهب و ارزش‌های معنوی و هویت دینی رو به افزایش است.

قوت تحقیق آن‌ها در این است که صرفاً به توصیف جامعه اکتفا نکرده اند و با مطرح کردن مفاهیم و ایده‌هایی مانند «رشد و توسعهٔ نامتوازن»، «عدم آمادگی توده‌ها برای پذیرش تغییرات شتابان»، «اکنون‌زدگی»، «بیگانگی سیاسی» و «بازگشت به خویشتن» به تحلیل و تفسیر یافته‌ها پرداخته‌اند و به وضعیت کلی جامعه اشاره می‌کنند.

تعهد علمی و اخلاقی اسدی و تهرانیان و اتکای آنها بر روش‌های علمی و نیز گستردگی جامعهٔ آماری و نمونه‌های مورد بررسی تحقیقشان، که پراکندگی جغرافیایی، جنسیتی، سنی،

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.2.11.2]

تحصیلی، طبقاتی و محل سکونت را در بر می‌گیرد، به ارزش کار آنها افزود است. آنها شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی حاصل از تغییرات اجتماعی آن زمان را به درستی فهم کرده بودند. ماحصل کوشش آنها نه‌تنها در گذشته‌پژوهی و آینده‌پژوهی بلکه در روندپژوهی نیز قابل استفاده است. افزون بر این، می‌توان به چند مزیت دیگر این اثر اشاره کرد؛ نخست، توصیف و بررسی وضعیت مذهبی و رفتارهای دینی مردم در زمانی که فضای دانشگاهی توجه چندانی به دین‌پژوهی علمی نداشت؛ دوم، آمار دقیق توصیفی از وضعیت خانواده و خانوار؛ سوم، فراوانی جداول توصیفی که می‌تواند منبع قابل استناد و دسترس‌پذیری برای تحقیقات آینده باشد؛ چهارم، ارائهٔ پرسش‌نامهٔ تحقیق که ممکن است در پژوهش‌های مشابه به کار آید؛ و پنجم، یافته‌ها و نتایج این پیمایش برای استفاده در پژوهش‌های مقایسه‌ای در خور توجه‌اند.

با وجود اهمیتی که این اثر دارد لازم است به ایرادات و کاستی‌های آن نیز اشاره شود: نخست، در فصل اول تأکید بیش از حدی به نقش رسانه‌ها در جامعه شده است، در حالی‌که در آن زمان رسانه‌ها حضور فراگیری در زیست‌جهان اکثر مردم نداشتند؛ دوم، بخشی از نمونه‌های مورد بررسی این پژوهش کارمندان رادیو و تلویزیون هستند که به نظر می‌رسد نظرسنجی از آنها تا حدی به سوگیری و ناهماهنگی در یافته‌ها و نتایج کلی تحقیق انجامیده است؛ سوم، اسدی، تهرانیان و همکارانشان می‌توانستند داده‌هایی که از نظر خودشان غیر قابل انتظار بود را مجدداً و به‌ویژه با استفاده از مصاحبه‌های عمیق بررسی کنند. برای مثال، بر اساس یافته‌های تحقیق، در خوشبینی مردم نسبت به آینده غلو شده، اما چرایی این غلو در خوشبینی مردم بررسی نشده است؛ چهارم، نوعی ناآگاهی و بی‌اعتمادی در پاسخ‌ها و محافظه‌کاری در پاسخ‌گویی بخشی از مشارکت‌کنندگان تحقیق دیده می‌شود که پژوهشگران در مواردی به آن اشاره کرده‌اند بدون اینکه در رفع آن اقدامی کنند؛ پنجم، مشخص نیست که آیا پرسشنامه‌ها و پرسشگران ارزشیابی شده‌اند یا نه. در واقع، اعتبار پرسشنامه‌ها و مهارت پرسشگران به گونه‌ای روشن و دقیق بیان نشده است؛ ششم، تفسیرها مناسب هستند اما ناکافی و خلاصه‌اند. شاید می‌شد با یک تحقیق کیفی یا اکتشافی به عمق یافته‌ها و نتایج افزود؛ هفتم، اگرچه در این پژوهش به فرهنگ‌های بومی توجه شده، امّا از فرهنگ‌های قومی با عنوان «خرده‌فرهنگ» نام برده شده که استفاده‌ای نادرست از این مفهوم است؛ جامعهٔ ایران متشکل از اقوام مختلفی است که شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی با همدیگر دارند. از این رو، فرهنگ اقوام ساکن در ایران را

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.2.11.2]

نباید خرده‌فرهنگ نامید؛ زیرا هر یک از اقوام ایرانی واجد کلیتی فرهنگی هستند با ویژگی‌ها و اصالت‌های خاص خودشان. می‌توان گفت این بی‌دقتی پژوهشگران از این ناشی شده که آن‌ها فرهنگ ایران‌زمین را معادل فرهنگ پارسی‌زبانان در مناطق مرکزی ایران گرفته‌اند. اگرچه این احتمال نیز وجود دارد که آنها اصطلاح «خرده‌فرهنگ» را نه به قصد تبعیض قومی، بلکه به اشتباه در معنای فرهنگ ویژهٔ قومی به کار گرفته‌اند.

به هر حال، اگرچه یافته‌های این پژوهش عمدتاً کمی و توصیفی‌اند، امّا در نوع خودشان اهمیت دارند و لازم به ذکر است که نتایج آن را با توجه به زمینه‌های گوناگونِ مورد بررسی و در بستر تاریخی‌اش می‌بایست دید. همچنین، باید در نظر داشت که این پژوهش بیش از چهار دههٔ پیش و در زمانی انجام شده که تحقیقات پیمایشی سابقه نداشته است. از این‌رو، می‌توان بر کاستی‌های این اثر در برابر اهمیت و ارزشمندی آن چشم پوشید.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.2.11.2]

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.2.11.2]